

جنگ ایران و عراق و مسئله گروگانها

در روز یکشنبه ۱۱ آبان مجلس شورای اسلامی بالاخره طرح آزادی گروگانها را در چهار رجب شرایط ۴ گانه پیشنهادی از طرف آیت الله خمینی به تصویب رساند. از جانب دیگر اخبار وسیعها را مریکا حاکی از آن است که دولت کارتر نیز از این مسکن اقدام مجلس ایران استقبال کرد، و شرایط پیشنهادی را "مستای مثبتی برای مذاکره جهت آزادی گروگانها" خوانده است. تحولات اخیر با رد یکپوش بینی های مازاد و فرا هم نشین رصینه های تجدید مناسبات ایران با آمریکا موزد تا پیشتر از سده دهه ۱۳۵۰ می ده که هیات ها کندی ایران و در حال حاضر نیروی بلا تشکار آن - حزب جمهوری اسلامی - چگونه در آشکار و پنهان و در کمال بیخبری، در مقابل دشمنان حیرت زده ی خود، به سازش آشکار با "شیطان بزرگ" برخاسته و این امر باعث عنوان مخالفین مربوط به جنگ توجیه بینما به.



جنگ ایران و عراق هم اکنون وارد شصتین هفته از آغاز گسترده ی آن گشته است. لیکن با وجودیکه سرشوت جنگ هنوز بدقت قابل تعین نیست معذک بروز تغییرات مهمی در صحنه ی سیاست بین المللی میتواند تا شیوات سرشوت مازی در مسیر تحولات آتی مربوط به جنگ بگذارد. مهمترین عاملی که از چند هفته پیش و بتدریج در قبال اوضاع جنگ در صحنه ی جهانی ظاهر شد، پشتیبانی رسمی و آشکار آمریکا و متحدین اروپایی آن از موضع ایران میباشد. امریالینیم آمریکا از زمان مسافرت رجائی به نیویورک و شرکت غیر منتظری وی در جلسه ی شورای امنیت سازمان ملل که حتی جناب ایوالکسن بشی صدر رئیس جمهور ایران را نیز متعجب ساخته بوده، رفته رفته "تجاوز عراق به ایران" را محکوم کرد و از "استقلال تمامیت ارضی ایران" دفاع برخاست. سخنرانی های مکتور کارتر و سایر مقامات رسمی آمریکا از جمله ماسکسنی و برزینسکی در دفاع از ایران و حمله به عراق و بویژه این اظهار مریخ کارتر که "ایرانی متعهد و شرومند متافع متافع ملی آمریکا است، همگی بیان تغییر موضع آشکار آمریکا از حالت "بیطرفی" به جانبداری از ایران در جنگ میباشد.

بدنیال جانبداری رسمی از یکا ارسومع ایران در جنگ سر بردتان و متحدین آن در سلسله تیرا آلمان طرفدای ایران را گرفتند و چنگی بکپاره در سور کردند که جز را چندی قبل با "بسطرفا" بوده و با بطور سنی از عراق پشتیبانی میکردند، در این میان موضع سادات از به جانب شروحه نواست. وی به ناسامان به اشارهی ارجاب، یک طی دقتی حی را به ناسامان میدجه و عراق را بعنوان یک نیروی متحد و محکوم میکند. وی جنسی کمک آردن به عراق را شیر مورد سرزشت قرار داده و از بلکه حسین میخواهد که از به نیبانی عراق حرم مشترکند. در ضمن سادات فرانسوی نمیکند تا مومع در در ادر قبال جزویری اسلامی که تا چندی پیش خواستار برنشونی آن بود روشن کند. او ظن را به مدار که چیزی بنام "پادشاهی و شاهان دوم" را به رسمیت نمیشناسد هر چند که تا کنون میزبان و مهماندار خانوادگی شاه، رنگون شده بوده است - بلکه از نظروزییم مصر، انقلاب اسلامی ایران است که مستهبر بوده و رسا مورد تائید دولت سادات میباشد. در داخل عراق نیز تحولات تازه ای اتفاق می افتد. تغییر موضع آیت الله خوئی با رویا و رشا سابق و متحدینا و قای آمریکا در میان شیعیان عراقی از همه جا لیسراست. خبری که تا پیشتر و ز پیش در عراق اسلامی بسوهن رژیم خمینی فتوا جا در میگرد و بعنوان یک رهبر مذهبی غیر سیاسی تا بحال هیچ تمایلی برای مداخله در امور سیاسی از خود نشان نمیداد و بقول قحبا "تقیه" احتیاط رگزده بود، ناگهان سکوت خود را میکند و تنها وزیر عراق به ایران را محکوم میکند. این موضع البته از دید شیعیان طرفدار وی در عراق تسبب آورید اما بسیاری گمانیکه تا بقده ی همکاریهای وی را با رژیم شاه میشناختند گاملا در مسیر مواضع سیاسی جدید آمریکا قرار داشت. چرا آمریکا از موضع ایران در جنگ حمایت کرد؟ بطور کلی دو دلیل عمده را باید با موشکوری جدید آمریکا مرتبط دانست. اولاً چنانکه قبلا نیز در شماره های مختلف رها بیی متذکر شده بودیم رژیم صدام همان موقعیتی را در جنگ اخیر داشت که سادات در جنگ اکتبر ۱۹۷۳ عراق و اسرائیل، بصارت دیگر جنگ اخیر موجب قرار گرفتن بیش از پیش رژیم صدام حسین در مدار غرب و در چنگال امپریالیستهای اروپایی و آمریکایی گشته بود و امپریالیسم امریکسار متحدینش بخوبی از این واقعیت اطلاع کامل داشتند. عدم

پشتبانی شوروی از موفق عراق و بلخجیانی متعین شوروی در جهان عرب بویژه پشتبانی عرب و فلسطین سوریه و لیبی از ایران و محکوم ساختن عراق، همگی بر این واقعیت که جهت گیری سیاسی صدام حسین جهت ارتقای امپریالیسم است مبنی میگفارد. بنابراین آمریکا و متحدانش از جانب آیینسدهی سیاسی عراق هیچگونه نگرانی نداشته چون رژیم صدام را بهر حال در کنار خود میدانستند. نگرانی اصلی امپریالیسم آمریکا از سوی ایران بود، رژیم بی شجاعتی که بزم آنسان هر آن ممکن بود تحت تاثیر شرایط ویژه جنگ بظرف شوروی و اتمام آن گشاده شود و این مسأله برای آمریکا غیرقابل قبول مینمود. پس آمریکا بر آن بود که هر چه پیشتر اقدامات و سیاستهای شوروی را در ایران خنثی نموده و شرایط را آنچنان آماده سازد که رهبران رژیم فعلی ایران نتوانند بیادگی مسأله ترک مجادلات با آمریکا و جهت گیری بسوی "شیطان بزرگ" را در سطح ایران توجیه نموده و در مقابل مسئولان توده ها امری منطقی وانمود کنند. به بیان ساده تر با توجه به موقعیت رژیم عراق منافع امپریالیسم جهانی ایجاد می کرد که برای تامین منافع عراق صحت خود، بویژه در رقابت با شوروی به حمایت از ایران برخیزد.

مسأله دوم، انتخابات قریب الوقوع آمریکا است که باید مورد توجه قرار داد. رژیم کارتر و جناحهای سرمایه داری پشتیبان او به شکلهای دامنه داری برای انتخاب محسود کاندیدهای خود دست زده اند. لیکن، اوضاع نابسامان اقتصاد آمریکا و تضعیف موقعیت سیاسی آمریکا در جهان، شانس چنانچه برای پیروزی مجدد کارتر در انتخابات ایجاد نمیکند. رقابت کارتر، ریگان که سردمدار فاشیستی ترین جناحهای سرمایه داری آمریکا است با این مسائل و قوف کاسل داشت و درست بهمین دلیل محور حملات تبلیغاتی خود را روی همین دو مسأله قرار داده بود. کارتر در واقع به دو جریان امید زیاد داشت یکی مناظره تلویزیونی با ریگان و دیگری آزادی گروگانهای آمریکایی. لیکن مناظره تلویزیونی با ریگان به زبان وی و بنفع رژیم تمام شد و با یک بررسی آماري رای دهندگان آمریکایی نشان دادند که ۴۴ به ۳۶ ریگان را ترجیح میدهند. در چنین شرایطی تنها امری که پیروزی کارتر و احزاب انتخابات میتواند تضمین کند، راهیسی گروگانهای آمریکایی بود. و بنابراین از لحاظ تامین منافع مشخص جناح کارتر و بره وی در انتخابات، لازم میبود که هر چه پیشتر در حمایت از ایران در رژیم جمهوری اسلامی و تقسیم این امر به رهبران رژیم جمهوری اسلامی که کنار آمدن با آمریکا به نفع آنها است، تاکید گذارد. از این نظر ترین ایران و آمریکا بطور ضمنی توافق نموده گسسه در چارچوب شرط مطروحه از طرف آیت الله خمینی، که مورد توافق آمریکا نیز بود زمینه های اساسی آزادی گروگانها را فراهم نموده و پیروزی مجدد کارتر را در انتخابات محتمل نماید. اظهارات اخیر رهبران ایران از جمله هاشمی رفسنجانی مبنی بر لزوم تحویل لوازم بدگی نظامی پیش خرید شده در زمان شاه به ایران و پاسخ کارتر در مناظره بسا ریگان که خریدهای نظامی را به ایران تحویل خواهد داد

در واقع آخرین شواهدی مطروحه در روزهای قبل از انتخابات میباشد. لازم بشکرت است که علیرغم همه و شده و وعدههای کارتر در قبول شرایط پیشنهادی آیت الله خمینی، وی قادر است تنها دو شرط "عدم مداخله در امور ایران" و "فسخ توفیق داراییهای ایران و آمریکا" را تضمین نماید، لیکن انجام شروط دیگر بستگی به نظر سایر نهادهای دولت آمریکا از جمله مراجع قضایی این کشور خواهد داشت.

بدین ترتیب، در صورت عدم بروز اتفاقات غیر مترقبه بنظر میرسد که آزاد شدن گروگانهای امروز و جاسوسهای دیروز در آینده نزدیک.

باید. لیکن در این میان مشکلاتی نیز پیش روی رژیم اسلامی قرار خواهد داشت که ناگزیر از حل آنها است. اولین مشکل راغی کردن پاره ای از ناراضیان درون جناحهای حاکم است. عدم تشکیل جلسه علنی مجلس روز پنجشنبه گذشته و اعلامیهی اخیر "سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی" مبنی بر تمویق طرح مسأله گروگانها و سپس دستور روز جمعه آیت الله منتظری مبنی بر وجوب حتمی و شرفی شرکت در مجلس و کشکتهای زیادی که بین جناح غالب حزب جمهوری اسلامی و جریان ناراضی درون آن در چند روز اخیر بوقوع پیوست، همگی از طرفی نشان عدم انسجام و تشتت قدرت و از طرف دیگر مرکوب انقلابیهای درون هیات حاکمه است. آفتاب غروبشانیها که تا دیروز در کنار جمع اسلام هاشمی رفسنجانی و خامنه ای و غیره در رهبری عظام قرار داشت، امروز از آقای خلغالی سرکوفت میخورد که اگر حرف صافی نازند مجلس نباید و در گریز در مجلس جنجال بها ننگدوالی آخر.

شکل بعدی راغی کردن توده ها است. همان توده هایی که بمدت یکسال به خیابانها کشیده شدند تا زربان ترسی آقایان جمع اسلام و رهبران حزب جمهوری اسلامی شوند. همان توده های تعمیق شده ای که نفهمیده چه بفرمان آمد و چه طور شد که غیرما زنگاران و سرخستان دیروز، ناگهان سازگاز و حامی کارتر از آب درآمدند. کوفش برای یافتن پاسخ مناسب برای همه ای توده ها آسان نخواهد بود و به اعتقاد ما درست همین قضیه است که میتواند بزودی موج جدیدی از ناراضیسی بسا فریند و رژیم حاکم را در شکسته جدی قرار دهد. ممکن است جهت مناسبات با "شیطان بزرگ"، دریافت اصلاحیه و به پیروزی رساندن رهبر "شیطان بزرگ" آقای کارتر، از طریق سرکوب و تهدید عناصر ناراضی هیات حاکمه انگلستان پذیر باشد، لیکن مشکل میتوان از طریق سرکوب، خیل وسیع ناراضیان را نیز به درستی این اعمال متقاعد و آرام ساخت.

و بالاخره مشکلهایی متقاعد ساختن سرمایه داری آمریکا در کمک به ایران و جلب حمایت آنان است. رژیم جمهوری اسلامی باید نشان میداد که شایستهی برخورداری از حمایت سرمایه داری آمریکا است و اینکه علیرغم بی شجاعتی و تشتت هیات حاکمه این کمک به جیب اغیار نخواهد رفت و بنفع آنان تمام نخواهد شد. در این ارضیات مسائلی شوروی از همه با اهمیت تر بود، چه بهر حال سیاست "نه شرقی و نه غربی" رژیم در وجه غربی آن جنبه "نه شرقی" آنرا ایجاد میکرد. اولین اقدام رژیم حاکم در غربیسی

هرگز بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا

